

دست نامرئی نظم



احمدغلامی

تردیدي وجود ندارد که در ایران باید نوسازی سیاسی صورت گیر: «خواه از طریق بازيبنی معيارها و ارزش‌ها خواه از طریق خط‌مشی و اهداف. تجربه تاریخي ایران نشان داده مردم به ندرت تمایل به تغییرات انقلابی دارند و ترجیح می‌دهند نوسازی سیاسی به شکلی آرام. از طریق گفت‌وگو و مسالمت‌آمیز پیش برود. این تمایل به نوسازی سیاسی در طول تاریخ ایران نادیده گرفته شده و دست آخر به مرحله انقلابی رسیده است. اغلب کسانی که در پیش از انقلاب فعالیت سیاسی و چریکی داشته‌اند، بیش از هر چیز بر این نکته تأکید می‌کنند و باور دارند اگر پهلوی اول صدای مردم را به‌موقع می‌شنید و اندکی نظم در بی‌نظمی وضعیت به وجود می‌آورد، انقلاب نمی‌شد، نکته اساسی در همین اندکی نظم نهفته است. همه دولت‌هایی که در وضعیت بحرانی به سر می‌برند، برای اینکه ساختار کشور فرو نیاشد، به همین اندکی نظم نیاز دارند. در وضعیت‌هایی که آشوبناک هستند اما فروپاشی رخ نمی‌دهد، همین اندکی نظم است که دولت و جامعه را سر پا نگاه می‌دارد. دولت ایران هم به همین صورت سر پا ایستاده است و همچنان در لحظات بحرانی به راه خود ادامه می‌دهد. آنچه بسیاری بر آن باور دارند حتی اگر دلیلی برای اثبات آن نداشته باشند، این است که گویا دستی نامرئی کشور را اداره می‌کند؛ وگرنه با این وضعیت خیلی پیش از این دستگاه دولت باید از کار بازمی‌ماند. این دست نامرئی نه تنها متافیزیکی نیست بلکه کاملا مادی است. این دست نامرئی که ساختار دولت‌ها را تاکنون حفظ کرده و نگذاشته کار تمام شود همین اندکی نظم در بی‌نظمی است. این یعنی برقرارشدن نسبت‌ها در درون ساختار. یعنی چفت‌وپیست شدن برخی از منافع متعارض در وضعیت‌های بحرانی برای ادامه و حفظ بقا و وضعیت موجود. تردیدی وجود ندارد دستی نامرئی اقتصاد بحرانی ایران را تاکنون سر پا نگاه داشته است، چراکه سرپایی اقتصاد منافع مستمر این جریان‌ها را تداوم می‌بخشد. البته این اندکی نظم را صرفاً نمی‌توان به مسائل اقتصادی فروکاست و حتما اشتراکات فرهنگی و ملی و قومی در کارند و نسبت‌هایی را شکل می‌دهند که جامعه ایران سر پا می‌ماند. این همان دست نامرئی است که تاکنون جامعه ایران را در هر شرایطی حتی در شرایط آشوب ساختارمند نگاه داشته است. مثالی ساده چفت‌وپیست شدن این نسبت‌ها را نشان می‌دهد. در دوران همه‌گیری کرونا و مهم‌تر از آن در جنگ ۱۲روزه بین ایران و اسرائیل ساختار جامعه ایران سر پا ماند. چه چیزی در این دوران آشوب مردم را کنار یکدیگر همدلانه نگاه داشته است؟ این همان اندکی نظم نامرئی است که در کار است. تردیدی وجود ندارد مردم ایران به دشواری تن به نظم می‌دهند و ناخواسته از هر نظمی خاصه نظمی که به اجبار به آنان تحمیل می‌شود، سر باز می‌زنند. برخورد دوگانه با حجاب در پیش و پس از انقلاب نمونه بارز آن است. آنچه جامعه را تاکنون منسجم نگاه داشته، اخلاقیات مشترک و مهم‌تر از آن منافع مشترک است. اخلاقیات در شرایط آشوبناک چندان قابل اتکا نیستند و دیوی نمی‌باید که فرو می‌باشند. همان چیزی که تا حدودی جامعه ایران به سوی آن گام برداشته است، جامعه ایران سر پا است، چون منافع مشترک مردم را به یکدیگر پیوند داده است. اندکی نظم در حین بی‌نظمی. مردم می‌دانند در شرایط آشوبناک نمی‌توان همه چیز را به دست تقدیر سپرد و بی‌حاجا به آب و آتش زد. اگر پیش از انقلاب مردم نمی‌دانستند چه می‌خواهند و فقط می‌خواستند «شاه» برود، اکنون تا حدودی می‌دانند چه می‌خواهند و می‌دانند برای دستیابی به مطالبات خود چگونه آرام‌آرام پیش بروند و خواسته‌ها و منافع‌شان را به مجریان کشور منتقل کنند. پس تا زمانی که مردم منافع مشترک دارند و منافع‌شان با همین اندکی نظم تأمین می‌شود باید به سوی بازسازی و نوسازی سیاسی گام برداشت؛ چراکه این اندکی نظم در میان صاحبان ثروت و قدرت و جامعه است که همه چیز را سر پا نگاه داشته و این وضعیت بسیار شکننده است و با برهم‌خوردن توازن بین منافع مردم با مردم و صاحبان ثروت و قدرت یا یکدیگر جامعه درمی‌غلند.

شنبه ۶ دی ۱۴۰۴
۶ رجب ۱۴۴۷
۲۷ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست و دوم
شماره ۵۲۹۰
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: شاهین طبع، سرمربی تیم بسکتبال:از استانداردهای جهانی خیلی دور شدیم • خط و نشان مسکو علیه اروپا • حمله آمریکا به مواضع داعش در نیجریه

هاشمی طببا و حقیقت‌پور در گفت‌وگو با «شرق» از گرهِ‌گشایی در سایه تحریم گفتند

دو گانه دیپلماسی و معیشت

زهره فراهانی: هفته گذشته انتشار سرمقاله‌ای در روزنامه «شرق» درباره امکان و چرایی رابطه با ایالات متحده، موجی از واکنش‌ها و انتقادها را در میان رسانه‌های اصولگرا به دنبال داشت. اما ماجرا فراتر از یک سرمقاله و چند پاسخ تند رسانه‌ای است. پرسش اصلی از جایی آغاز می‌شود که چرا صرفِ بردن نام «آمریکا» هنوز هم جامعه ایران را به‌سرعت به دو قطب متضاد تقسیم می‌کند؛ شکافی که گاه مجال گفت‌وگوی عقلانی را نیز از بین می‌برد. این در حالی است که تجربه سال‌های اخیر و حتی دهه‌های گذشته به‌روشنی نشان داده ایالات متحده نه شریک قابل اعتمادی بوده و نه نشانه‌ای جدی از تغییر پایدار در رفتار خود بروز داده است. این واقعیت بارها در قالب گزارش‌ها، تحلیل‌ها و پرونده‌های مختلف در همین روزنامه مورد واکاوی قرار گرفته و از زوایای گوناگون، ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن بررسی شده است. با این حال، همچنان هر بحثی درباره

این گفت‌وگورا در صفحه ۲ بخوانید

بودجه نهادهای فرهنگی در سال ۱۴۰۵ مطابق وعده پزشکیان، رئیس جمهوری، تنظیم شده است؟

مواجهه محافظه‌کارانه با بودجه‌خواران

صفحه ۴

یادداشت

توسعه؛ حق الناس اکبر



امیرتامنی

جمعی است. هرچند شرط کافی نیست. سعادت بدون توسعه، بیشتر به یک «موعظه اخلاقی» می‌ماند.

در سال‌های اخیر برخلاف اوایل پیروزی انقلاب که دولت موقت و شورای انقلاب «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی» را در سال ۱۳۵۸ تدوین کرده یا دو دهه بعد (در اوایل دهه ۱۳۸۰) سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، ایران را کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول علمی، اقتصادی و فناوری در منطقه در ۲۰ سال آینده جایابی کرده بود، موضوع «توسعه» دچار یک سوْنتفاهم بزرگ و حساسیت عجیب از سوی متولیان امر شده و این تصور و بدگمانی ایجاد شده که توسعه در واقع «رشد منهای عدالت یا تحول لیبرالستی» اشاره داشته و بنابراین با روح تعلیم اسلامی و ارزش‌های تمدنی ما در تعارض قرار دارد. بر همین مبنا هم در مجلس عنوان برنامه هفتم توسعه به «برنامه

یادداشت

چوب امدادی از دست چه کسی بر زمین افتاد؟



مهرداداحمدی شیخانی

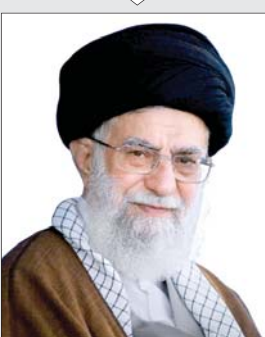
مسابقات دو امدادی را دیده‌اید؟ یکی از دوندگان هر تیم چوبی را به دست دارد و مسیری تعیین‌شده را می‌دود تا چوب را به نفر بعدی برساند و این نفر بعدی چوب را می‌گیرد و مسیر را ادامه می‌دهد تا به دوندۀ بعد از خود برسد و چوب را به او تحویل دهد. یک مسابقۀ تیمی که موفقیت در آن به عوامل متعددی بستگی دارد؛ سرعت هر دوندۀ، رساندن چوب امدادی از یکی به دیگری، هماهنگی تیم‌های دیگر، زمان‌بندی دست به دست کردن چوب و خیلی عوامل دیگر. حالا فکر کنید در تیمی هستید و نفر قبلی به هر دلیلی در انتقال این چوب اشتباه یا غفلت می‌کند یا هر چیز دیگر و موقع انتقال، چوب بر زمین بیفتد؛ کار تمام است و تیم کل از مسابقۀ حذف می‌شود. برای من، تصویری که از دست به دست شدن قدرت اجرایی در کشور مان ایجاد می‌شود، همین دست به دست شدن چوب امدادی در چنین مسابقه‌ای است. حالا مسابقۀ فوتبال را تصور کنید. در مسابقۀ فوتبال، یک پاس اشتباه ممکن است سبب شود که تیم حریف به شما گل بزند ولی پس از خوردن گل، شما فرصت دارید که تلاش کنید تا گل خورده را جبران کنید و حتی در پایان برنده شوید، ولی در مسابقۀ دو امدادی چنین نیست. چوب که از دستتان بیفتد یا اگر موقع دودیدن هرکدام از دوندگان تیم، پایتان از خط‌کشی آن‌طرف برود و حتی به اندازه نوک کفش پایتان وارد مسیر رقبا شود، کل تیم از مسابقۀ حذف می‌شود و فرصتی برای جبران وجود ندارد. در سیاست هم گاهی همین‌طور است. گاهی مثل بازی فوتبال است که اگر کل هم بخورید، فرصت جبران دارید و گاهی مثل دو امدادی است که چوب به دستتان نمی‌رسد، یا بد می‌رسد، یا هر چیز دیگر و بازی را می‌بازید و کلا حذف می‌شوید.

هفته گذشته جناب رئیس‌جمهور بریزر را شکست. ایشان از همان ابتدای استقرار در پاستور، با خود و دیگران عهد بسته بود و تا هفته پیش به هر سختی، بر عهد خود استوار مانده بود. جناب پزشکیان عهد کرده بود در مسیر انجام کارها، دشواری امور را به گردن آتانی که پیش از او در این مقام بوده‌اند نیندازد و بدون کِله‌گزاری کارش را انجام دهد و برای همین هم تا هفته گذشته، با همه سختی‌ها بر عهد خود پایدار ماند هرچند این اواخر، غُر هم می‌زد و البته قصدش این بود که با وفای درون‌ساختاری، به کمک همان‌هایی که شاید چوب را بد به او رسانده بودند یا حتی به او رسانده بودند، مسابقه را ادامه دهد، با این تصور که این یک مسابقۀ فوتبال است و همه تیم با هم در برد و باخت شریک‌اند و اگر مثلا یک بازیکن اشتباه کرد، هم‌تیمی‌ها تلاش می‌کنند تا اشتباه او را جبران کنند و اگر گلی وارد دروازه شد، چون این تیم است



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای کنگره بزرگداشت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی:

آیت‌الله میلانی از ارکان نهضت اسلامی است



برگزیده‌ها

گزارش تحلیلی «شرق» از افزایش مرگ و میرها و روند نزولی تولدهای امسال

کمترین نرخ باروری از دهه ۵۰ تاکنون

گزارش «شرق» از کمبود شربت تریاک در مراکز رسمی ترک اعتیاد

۶۰۰ هزار بیمار

در بن‌بست درمان اعتیاد

«شرق» از تلاش برای کلیدزدن طرح سؤال از رئیس‌جمهور گزارش می‌دهد

پاستور به وقت پاسخ

حمله مرک‌بار به مسجدی در حصص هم‌زمان با شکار فرمانده داعش در حومه دمشق

تقابل خونین ترور و عدالت

بازتاب

پاسخ وزارت ارشاد به یک یادداشت

واکنش مهدی نصیری به گفت‌وگوی «شرق»

دنیای این روزهای ما

نیمه عمر



رامین خسروخوار

در دنیای این روزهای ما، واقعیت هیچ‌گاه سکی ثابت و جاودان نیست؛ همانند ساعت دیواری قدیمی مادر بزرگم که هر بار عقربه‌هایش گیر می‌کند و دوباره به حرکت درمی‌آید، باورها و مدل‌های تجاری نیز نیاز پایداری‌اند. نیمه عمر لحظه‌ای است که نیمی از باور دیرین فرو می‌ریزد و نیم دیگر، لرزان و نالاستوار، در انتظار زوال خویش می‌ماند. این لرزش پاییان راه نیست؛ بلکه همان ضربانی است که اندیشه را زنده نگه می‌دارد و ما را از رکود می‌رهاند. همانند رودخانه‌ای است که هیچ‌گاه نمی‌توان دو بار در آن قدم نهاد. مفاهیم، چون موج‌های تند زمستان، می‌آیند و می‌روند و انسان تنها می‌تواند ردپایی موقت بر ماسه ذهنش بنگارد. وقتی بنسخه شاهد فروپاشی یک باور قدیمی بوده‌ام، ترس و شوق را هم‌زمان حس کرده‌ام؛ لحظه‌ای که قدیمی‌ها می‌روند و چیزی نو سر برمی‌آورد. جامعه هم در این بازی شریک است. باورهای جمعی مثل ساختارهای بلورین‌اند؛ پایدار تا زمانی که ضربه‌ای بزرگ‌تر یا نویر تندتر بر آنها نیفتد. فکر کنید به ظهور اینترنت؛ بسیاری از مدل‌های کسب‌وکار سنتی، ناگهان نیمه عمرشان را پشت سر گذاشتند. هر انقلاب علمی، هر دگرگونی فرهنگی، نیمه عمر تازه‌ای برای حقیقت می‌سازد و شمارش معکوس باورهای کهنه را آغاز می‌کند. ما، بی‌آنکه بدانیم، در میان این آوار نفس می‌کشیم و هر روز با حقیقتی تازه روبه‌رو می‌شویم. بازار، آزمایشگاهی کلان است که در آن شرکت‌ها مسیرهایی که باورهای کهنه را می‌آزمایند، محصولی که دیروز «موفقیت مسلم» بود، امروز ممکن است در برابر راهکاری نوین فروپاشد. هر مدل تجاری، هر راهبرد مدیریتی و هر مزیت رقابتی تنها تا زمانی پایدار است که موج تازه‌ای از فناوری یا تغییر ذائقه مشتریان بر آن نیفتد. شرکت‌هایی که بر یقین‌های دیرین تکیه می‌کنند، نیمه عمر کوتاهی دارند و آنها که ناپایداری را اصل بازی می‌دانند، از فروپاشی فرصت زایش می‌سازند.

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید.عکس: مهرداد تاجی شرق